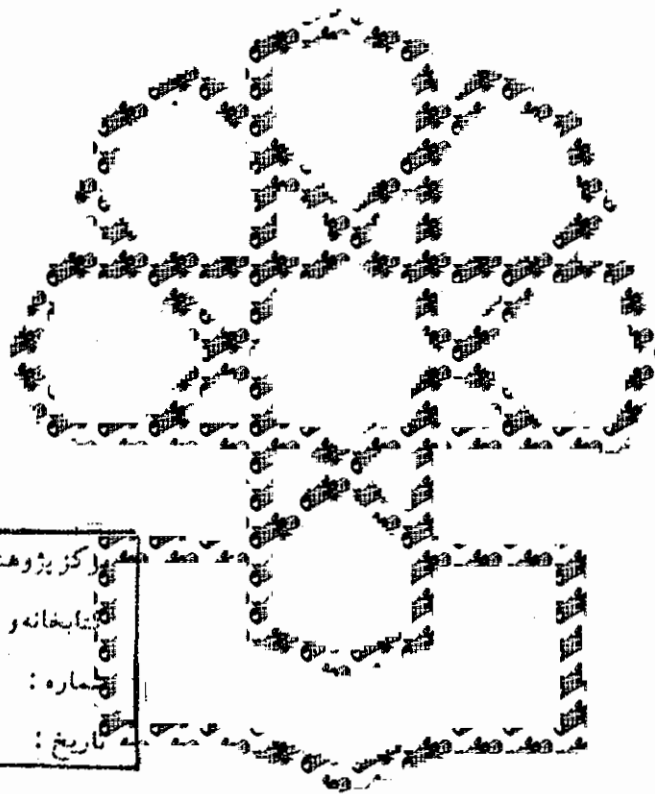


روابط اسرائیل با کشورهای آسیای میانه و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک ایران



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مجلس شورای اسلامی
شماره: ۷۲۲
تاریخ: ۱۰/۱۴/۷۶

معاونت پژوهشی
تیر ماه ۱۳۷۴

کار: دپارتمان بررسی‌های سیاسی و اجتماعی
این گزارش به تقاضای جناب آقای پیش بین نماینده
محترم مردم بافت تهیه شده است.

کد گزارش: ۱۴۰۰۷۶۷

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی و همچنین بعد از رویدادهای چند سال اخیر خلیج فارس و دخالت‌های نظامی امریکا در منطقه، ضعف جهان عرب در برابر اسراییل و عدم همسویی و همیاری اعراب منطقه با جمهوری اسلامی ایران، زمینه صلح اعراب و اسراییل فراهم گردید. اسراییل بعد از ۴۰ سال رویارویی با اعراب هم اکنون که خود را در یک موقعیت ممتاز سیاسی- استراتژیک می‌بیند، در جهت یک استراتژی منطقه‌ای جدید و به منظور اجرای طرح‌های انتقامجویانه دیرینه خود با مسلمانان منطقه زیرکانه حرکت خود را در چارچوب همکاری‌های دو جانبه با کشورهای آسیای مرکزی آغاز کرده است.

به این ترتیب با مطرح گردیدن جمهوری‌های آسیای مرکزی به عنوان خاورمیانه جدید (خاورمیانه جدید یک اصطلاح صرفاً جغرافیایی نیست، بلکه مفهومی است با ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی که اسراییل رکن عمده آن است).^(۱) اسراییل به دنبال ایفای مجدد نقش «اهرم استراتژیک» غرب در این منطقه است که با فروپاشی اتحاد شوروی و پایان یافتن منازعه اعراب و اسراییل و در واقع پایان جنگ سرد نقش خویش را از دست داده بود. اسراییل در مسیر احیای این نقش «شعار مبارزه با بنیادگرایی در خاورمیانه و جهان اسلام» را برانگیخت و امریکا را قانع کرد که برای مبارزه با بنیادگرایی در خاورمیانه و جهان اسلام و زیر نظر گرفتن پیشروی ایران در خاورمیانه و آسیای مرکزی، حضور این کشور ضروری است. در واقع- همان طور که بسیاری از پژوهشگران عنوان کرده‌اند- مسأله خطر بنیادگرایی در آسیای مرکزی بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد تا اسراییل بتواند حمایت سیاسی و مالی امریکا را برای پیشبرد مقاصد خویش در این منطقه داشته باشد. البته امریکا نیز که پس از محروم شدن از دشمن اتحاد شوروی به دشمن تازه‌ای برای توجیه خط‌مشی‌های خود نیاز داشت نقش جدید اسراییل را پذیرفت.^(۲)

در همین زمینه، اسراییل جمهوری‌های آسیای مرکزی را قانع کرده که راه رسیدن به کمک‌های غرب از تل‌آویو می‌گذرد. این جمهوری‌ها نیز در مقابل، هرچند موافق سیاست اسراییل نیستند، اما همکاری با اسراییل را پذیرفته‌اند، تا از این طریق به کمک‌های مالی، اقتصادی و فنی غرب دست یابند. برقراری روابط در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی- امنیتی با این جمهوری‌ها از همین پروسه نشأت می‌گیرد. با این حال هرگونه گسترش روابط این جمهوری‌ها با اسراییل از نظر امنیتی، ایران را مورد چالش قرار خواهد داد که ما در این نوشتار، به سناریوهای اساسی در این مورد خواهیم پرداخت.

مشخصات عمومی جمهوری‌های آسیای میانه

جمهوری‌های آسیای میانه (قزاقستان، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان و ازبکستان) از نظر منابع زیرزمینی، تولیدات کشاورزی و دامی از کشورهای بالقوه ثروتمند به شمار می‌روند. منابع مذکور بدان اندازه غنی است که به طنز گفته می‌شود که مردمان این جمهوری‌ها روی جدول مندلیف زندگی می‌کنند. از

۱- مهتدی، محمد علی. نقش خاورمیانه عربی در آسیای مرکزی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۷۳، ص ۴۰۱

۲- همان، ص ۴۰۱

میان این جمهوریها قزاقستان چهارمین قدرت هسته‌ای دنیا پس از امریکا، روسیه و اوکراین محسوب می‌گردد. متجاوز از ۱۸۰۰ موشک هسته‌ای در این جمهوری مستقر است. اولین راکتور اتمی B&C150 (آب شیرین کن) در جهان در این جمهوری و در کنار دریای خزر ایجاد گردیده است. قزاقستان پلیستارین و اورانیوم نیز تولیدی می‌کند که در اختیار وزارت دفاع این جمهوری قرار می‌گیرد. در این میان، منبع غنی اورانیوم در تاجیکستان نهفته است.^(۱)

با پتانسیلهای اقتصادی مذکور وجود امکانات اقتصادی، صادراتی و بازارهای مصرفی این جمهوریها اسرائیل در مورد دستیابی به اهداف سیاسی خود در منطقه است. فرآیند تاریخی نفوذ اسرائیل در آسیای مرکزی، به دوران حاکمیت شوروی سابق باز می‌گردد. در سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ شول آیزنبرگ (Shoul Aizenberg)، یکی از بازرگانان اسرائیلی، زمینه‌های سرمایه‌گذاری را در ازبکستان و قزاقستان - که جمهوری اخیر یک جمهوری پیشرفته صنعتی به شمار می‌رفت و ۹۰ درصد کروم، ۵۰ درصد نقره و یک سوم طلای شوروی سابق را تولید می‌کرد - فراهم ساخت. با این حال اسرائیل نتوانست با سایر جمهوریهای آسیای مرکزی چون قرقیزستان، تاجیکستان و ترکمنستان، تمهیداتی به منظور گسترش روابط پدید آورد. با فروپاشی اتحاد شوروی؛ اسرائیل گامهای عملی برای گسترش روابط دو جانبه با این جمهوریها برداشت.

در اواخر مارس گذشته (اسفند ۱۳۷۲) یک هیأت هفتاد نفره از بازرگانان و کارشناسان اسرائیل به سرپرستی دو تن از وزرای کابینه دولت رابین از قزاقستان دیدار نمود. از میان اعضای این هیأت می‌توان، به «یولی عوویر» از شرکت کابل سازی، «مناخیم مایرون» از شرکت باز، «میخائیل زدمان» از شرکت لابل کنتاکت، «ولادیمیر اشلوگر» از شرکت اف. سی. آی. و نمایندگان از شرکتهای صنایع شکلات سازی علیت، صنایع سوخت و روغن دلیک و نیز به کارشناسان شرکتهای ایزنبرگ و سیمان اشاره کرد که جزو پیشگامان تهاجم اقتصادی اسرائیل به قزاقستان به شمار می‌روند. نتایج این سفر عبارت بود از:

- توافق میان یولی عوویر و رئیس جمهور قزاقستان در مورد احداث کارخانه تولید کابل در نزدیکی آلماتا پایتخت قزاقستان؛

- قزاقستان به گونه‌ای از کمبود شدید ذخایر ارزی رنج می‌برد، طوری که روزنامه معاریو مورخ ۹۳/۴/۵ اشاره می‌کند که موجودی خزانه کاخ ریاست جمهوری آلماتا فقط ۱۳۰ میلیون دلار است. به همین دلیل عوویر بازرگان اسرائیلی در مقابل ساخت کارخانه کابل سازی، سنگ مس از قزاقستان استخراج و به کارخانه‌های اسرائیل منتقل می‌کند.

آقای نظربایف رئیس جمهور قزاقستان از هیأت اسرائیلی خواستار ارسال کمکهای پزشکی به کشورش شد و در مقابل قول داد شخصاً موانع اداری موجود در روند پروژه‌های اسرائیل را در قزاقستان از میان بردارد.

- «یوسی میمان» سرمایه‌گذار اسرائیلی اظهار داشت فعالیت وی در جمهوری قزاقستان طی سال جاری به ۱۵۰ میلیون دلار بالغ می‌شود در حالی که حجم سرمایه‌گذاری وی در سال ۱۹۹۲ فقط ۴۰ میلیون دلار بوده است. وی همچنین خاطر نشان ساخت فعالیتش بیشتر در زمینه کشاورزی خواهد بود.

۱- اوضاع اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی، اداره دوم کشورهای مستقل مشترک المنافع و قفقاز، ۱۳۷۱، صص ۷ و ۵

- «مردخای گرینبرگ»، دومین مرد قدرتمند شرکتهای زنجیره‌ای ایزینبرگ، تصریح کرد که حجم سرمایه‌گذاریهای آنان در پروژه‌های کشاورزی- صنعتی قزاقستان به دهها میلیون دلار بالغ خواهد شد و یک کارخانه آلومینیم سازی نیز در کنار دیگر پروژه‌ها در شمال کشور در دست احداث دارند.

- شرکت علیت که صادرات سال گذشته آن به روسیه معادل یک میلیون دلار بوده است، یک کارخانه شکلات سازی در قزاقستان احداث می‌نماید.

گزارش سرمایه‌گذاران اسرائیل حاکی است که چرخه سرمایه‌های اسرائیل در قزاقستان در سال جاری به نیم میلیارد دلار بالغ می‌شود.

- در مراسم استقبال که توسط رئیس جمهور قزاقستان به افتخار هیأت برپا شده بود، طرفهای اسرائیلی اعلام کردند که حجم صادرات اسرائیل به قزاقستان به ۲۰ میلیارد دلار می‌رسد.

- مدیر شرکت اسرائیلی «بیزک» اظهار داشت این شرکت شبکه ارتباطات کشور مانند تلفن و فاکس را میان قزاقستان و سایر کشورهای جهان احداث نموده است و شرکتهای امریکایی مانند (Atandt) و دیگر شرکتهای فرانسوی بعد از شرکت اسرائیلی به قزاقستان آمدند.

- دیدار گسترده هیأت اسرائیل در پاسخ به دیدار «سرگئی ترشنکو» نخست وزیر قزاقستان در سپتامبر ۱۹۹۲ به اسرائیل و نیز سفر معاون نخست وزیر قزاقستان آقای نور شریف به همراه یازده تن از استانداران این کشور در اواخر سال ۱۹۹۲ صورت گرفت. این دو هیأت طی دیدارشان از کارخانه‌ها و مراکز صنعتی موافقتنامه‌هایی را جهت احداث پروژه‌هایی در سال ۱۹۹۳ به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار در قزاقستان به امضا رساندند.

- آقای «موحان طبیب» مدیر شرکت فسفر قزاقستان در اوایل سال ۱۹۹۳ در رأس هیأتی از اتحادیه صنایع شیمیایی قزاقستان از اسرائیل دیدار کرد و طی آن موافقتنامه‌هایی به مبلغ ۲۰ میلیون دلار در جهت توسعه صنایع و مشتقات آن در قزاقستان امضا رسید. طبیب خاطر نشان می‌سازد که شرکت اسرائیلی «مرحاف» یک کارخانه تولید پلی اتیلن و لوله‌های پلاستیکی با سرمایه‌ای حدود ۱۳ میلیون دلار، یک کارخانه ساخت گوگرد با سرمایه‌ای حدود ۱۳ میلیون دلار و نیز یک کارخانه ساخت گوگرد با سرمایه‌ای حدود ۳/۵ میلیون دلار احداث خواهند نمود.^(۱)

برقراری و گسترش روابط تاجیکستان با اسرائیل با تمهیدات بازرگانان اسرائیلی و سفیر ایرانی تبار اسرائیل در روسیه میسر گردید. سفیر اسرائیل در روسیه و بازرگانان اسرائیلی موافقت مسؤلان وابسته به نظم کهن تاجیکستان را با سرمایه‌گذاری در زمینه‌های کشاورزی و مرغداری جلب کردند. قبلاً نیز نبی‌اف، رهبر فقید تاجیکستان اعلام نموده بود که آماده است به منظور گسترش همکاریهای دو جانبه، نماینده‌ای به اسرائیل اعزام نماید. سفیر اسرائیل در روسیه نیز ضمن استقبال از این امر خواستار اعزام گروهی از کارشناسان تاجیک به تل آویو به منظور گذراندن دوره‌های آموزشی شد. با آغاز جنگ داخلی در تاجیکستان و عزل نبی‌اف این همکاریها معوق ماند.

در مورد ازبکستان، اسرائیل آمادگی خود را برای ارائه کمکهای بیشتر در زمینه‌های کشاورزی و پزشکی

۱- نگاهی به تهاجم اقتصادی اسرائیل به قزاقستان، تهران، مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ۱۴ مهرماه ۱۳۷۳، صص ۷-۹

به این کشور اعلام کرده است. با این حال کارشناسان اسرائیلی عملاً از مدتی قبل با استقرار در این جمهوری، شیوه‌های پیشرفته کشاورزی را به کشاورزان بومی تعلیم می‌دادند و به احیای زمینهای موات در این کشور کمک می‌کردند. شرکت‌هایی چون «بتاشیتا» و «نتاویم» فعالیت گسترده‌ای در ازبکستان دارند. البته این فعالیتها بیشتر بر آبیاری و صنایع متمرکز است.

بعد از فروپاشی امپراتوری شوروی، اسرائیل علاقه‌مندی خود را به ایجاد و گسترش روابط با ترکمنستان اعلام کرد. در همین راستا شرکت «مهاو» اسرائیل، در پی کمکهای سخاوتمندانه اسرائیل که بخشی از استراتژی نفوذ این کشور به شمار می‌رود، مقادیر متنابهی مواد غذایی از قبیل فراورده‌های گوشتی به ترکمنستان ارسال کرد. به گفته منابع اسرائیلی، انتظار می‌رود صادرات شرکت مذکور در آینده نزدیک به این جمهوری به ۱۰ میلیون دلار برسد. در مجموع رژیم صهیونیستی در ترکمنستان کالاهایی با تکنولوژی پیشرفته و طرح بزرگی برای کشاورزی و سیستمهای آبیاری ارائه کرد و رهبری ترکمنستان نیز کیفیت کالاهای این رژیم را مورد تحسین قرار داد.

قرقیزستان، در میان جمهوریهای آسیای مرکزی بالاترین سطح روابط را با اسرائیل دارد. آقایف رئیس جمهوری این کشور در ژانویه ۱۹۹۳، دیدار سه روزه‌ای از اسرائیل به عمل آورد. وی در مصاحبه‌ای با روزنامه «جروز آلم پست» هدف خود را از این دیدار چنین ذکر کرد:

«هدف من پیوستن به تکنولوژی اسرائیل با مواد خامی که در اختیار داریم و نیز ایجاد صنعت است. شما بالاترین میزان محصول پنبه را در جهان تولید می‌کنید. ما زمین کشاورزی نسبتاً خوبی داریم، اما در تولید مواد غذایی از تکنولوژی عقب مانده‌ای برخورداریم، ما به طور قطع خواهان کمک اسرائیل در این زمینه‌ها هستیم.»^(۱)

تهاجم اقتصادی اسرائیل؛ نشانه‌ها و نتایج آن:

این تهاجم اقتصادی که از سوی شرکتهای اسرائیلی به سرزمین غنی و سرشار از ثروتهای طبیعی جمهوریهای آسیای مرکزی و با احداث پروژه‌های عظیم اقتصادی در زمینهای کشاورزی، صنعتی و معدنی صورت گرفت، طی مدت زمان کوتاهی دستاوردهای مهمی را در این جمهوریها برای اسرائیل به همراه داشت که مهمترین آن عبارت است از:

۱- دستاوردهای اقتصادی که در قالب پروژه‌های دلاری شکل گرفته است، از یک سو سبب جذب نیروی انسانی و تجارب فنی اسرائیل و از سوی دیگر موجب کسب درآمدهای سرشار مادی برای این کشورها شده است.

۲- نشان دادن پیشرفت تکنولوژی اسرائیل در زمینهای کشاورزی، صنعتی و معدنی موجب گشوده شدن افقهای جدیدی در میان این کشور خواهد شد.

۳- در این میان، جلب دوستی شخصیت‌های مهم قزاقستان از جمله رئیس جمهور، وزرا، استانداران و عامه مردم به گونه‌ای بوده که سرمایه‌گذاران اسرائیلی در آلماتا و سایر استانهای این کشور از محبوبیت بسیاری برخوردار شده‌اند. «ایلی دنون» خبرنگار روزنامه معاریو در شماره مورخ ۱۹۹۳/۵/۴ خود طی

۱- اطهری، سید اسد. اسرائیل - آسیای مرکزی، سیاستها و عملکردها، مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۷۳،

تفسیری می نویسد: آنها (سرمایه گذاران اسرائیل) از چنان محبوبیتی در آلمان آتار برخوردار شده اند که «یوسی میمان» به لطف روابط شخصی که برقرار نموده قادر است به رقابت با شهردار آلمان آتار برخیزد. ایلودنون همچنین از قول «نبقس کرمل» سفیر اسرائیل در آلمان آتار در مورد رقابت سرمایه گذاران اسرائیلی (ایزنگرگ- میمان) در قزاقستان می گوید: گویی این کشور اثری است که [حضرت] موسی [علیه السلام] برای ما باقی گذارده است.^(۱)

عرصه سیاسی: در عرصه سیاسی رژیم صهیونیستی موفق گردید با دو کشور قزاقستان و ازبکستان - دو کشور مهم در آسیای مرکزی - روابط دیپلماتیک برقرار کند. این امر موفقیت بزرگی برای دیپلماسی رژیم صهیونیستی به شمار می آید. همچنین این رژیم در ابتدا ترتیبی اتخاذ کرد تا روابطی نیز در سطح پایین و در حد به رسمیت شناختن، با سه کشور آسیای مرکزی برقرار کند که این بار نیز بازرگانان راه را برای این منظور هموار کردند.^(۲)

«شیمون پرز» وزیر خارجه رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۴ از ازبکستان و ترکمنستان دیدار کرد و در تاشکند اعلام کرد که اسرائیل و ازبکستان در جبهه واحدی به جنگ با «بنیادگرایی» و «فقر» برخواسته اند و بنیادگرایی حرکتی ارتجاعی، افراطی و عقب مانده است. با این حال، گستاخانه ترین حرکت را رئیس جمهوری قرقیزستان عسگر آقایف انجام داده است. وی در زمانی که در ژانویه ۱۹۹۳ از اسرائیل دیداری به عمل می آورد، در یک اقدام غیر منتظره، افتتاح سفارت قرقیزستان را در بیت المقدس اعلام کرد، این در حالی بود که قرقیزستان اولین کشور مسلمان و سومین کشوری بود که اقدام به این کار کرد. آقایف در حالی که مردم فلسطین را به برقراری صلح دعوت می کرد، پیشنهاد کرد که بیت المقدس شهری متحد و غیر قابل تقسیم باقی بماند. این نکته از آن جهت جالب توجه و حائز اهمیت است که حتی دولت ایالات متحده به عنوان پشتیبان اصلی اسرائیل، با وجود فشارهای کنگره و فعالیت نمایندگان چون «داماتو» هنوز تحت فشار افکار عمومی مسلمانان جهان جرأت آن را نداشته است که سفارتخانه خود را از تل آویو به بیت المقدس انتقال دهد.

با این حال، هرگونه گسترش روابط سیاسی، اسرائیل چون عرصه اقتصادی، با خود آگاهی مسلمانان ارتباط مستقیمی خواهد داشت. هرچه آگاهی مسلمانان و اطلاعات آنان از صهیونیسم سیاسی افزایش یابد، بر این روابط تأثیر منفی خواهد گذاشت. وظیفه کشورهای اسلامی و به ویژه ام القرای اسلام، یعنی ایران است که به رشد خود آگاهی اسلامی در این جوامع کمک کند.

علل موفقیت اسرائیل در جمهوریهای آسیای مرکزی و قفقاز

دلایل موفقیت چشمگیر اسرائیل در جمهوریهای مسلمان و غیر عرب آسیای مرکزی در دو پارامتر اساسی نهفته است:

۱- یهودیان ساکن در این جمهوریها؛

۱- نگاهی به تهاجم اقتصادی اسرائیل به قزاقستان، پیشین، ص ۹
۲- فریدمن، رابرت. رژیم صهیونیستی و آسیای مرکزی، ترجمه بدرالزمان شهبازی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۷۲، صص ۱۶۴-۱۶۵

۲- حمایت مالی و پشتیبانی ایالات متحده آمریکا از اسرائیل برای نفوذ در جمهوریهای یاد شده. در مورد اول اعلام شده است که حدود ۱۴۵ هزار یهودی در این جمهوریها زندگی می‌کنند. در ابتدا اسرائیل کوشید با تحکیم روابط با این کشورها اجازه مهاجرت یهودیان را به خاک خود بگیرد. این اقدام حس مسؤولیت متداول اسرائیل را در قبال یهودیان نشان می‌دهد. در این راستا حتی یک خط هوایی میان تل‌آویو - تاشکند برقرار گردید. اما اینک اسرائیل می‌کوشد حتی الامکان از مهاجرت یهودیان جلوگیری کرده و از آنها به عنوان اهرمی برای نفوذ در آسیای مرکزی استفاده کند.

در همین راستا کافی است که بگوییم در قرقیزستان، مشاور حقوقی و وزیر سازندگی رئیس جمهور آقایف یهودی هستند و همچنین یهودیان این کشور داری موقعیتهای برجسته‌ای در حرفه‌ها، تخصصها و مقامات مملکتی هستند.^(۱)

در مورد حمایت ایالات متحده از اقدامات اسرائیل در آسیای مرکزی باید گفت که امریکا هزینه لازم را برای توسعه نفوذ اسرائیل در این جمهوریها عرضه می‌کند و اسرائیل نیز کارشناسان و تکنسینهای کشاورزی و آبرسانی خود را در اختیار آنها قرار می‌دهد. بدین منظور، کمیته مشترکی متشکل از مقامات امریکایی و اسرائیلی تشکیل شد که «تدبر ترود» نماینده وزیر امور خارجه امریکا و «آبراهام کاتز عوز» وزیر پیشین کشاورزی اسرائیل، ریاست آن را به عهده دارند. «ریچارد آرمیتاز» معاون وزیر خارجه وقت امریکا، در اوت ۱۹۹۲ وارد اسرائیل شد تا مقدمه اعزام این هیأت را فراهم کند. او گفت که کشورش چهار میلیارد دلار در طرحهای اسرائیل در این جمهوریها سرمایه‌گذاری خواهد کرد و خاطر نشان ساخت که اسرائیل و امریکا براهمیت پیشرفت جمهوریهای اسلامی آسیای مرکزی بر پایه اصول غیر دینی اتفاق نظر دارند. در ادامه همکاری دو جانبه، امریکا و اسرائیل توافقنامه‌ای امضا کردند که به موجب آن در مورد تأسیس شرکتهای دو جانبه در روسیه و جمهوریهای آسیای مرکزی و دیگر کشورهای مشترک المنافع همکاری می‌کنند. «رون مارکن» رئیس سازمان سرمایه‌گذاریهای خصوصی در خارج از امریکا گفت که این توافقنامه، شرکتهای امریکا و اسرائیل را تشویق می‌کند که منابع انسانی و مالی خود را به منظور ایجاد زمینه کار در دو کشور و همچنین مشارکت در توسعه اقتصادی کشورهای تازه استقلال یافته به کار گیرند.

در مجموع این توافق نظر دارای معانی و مدلهای سیاسی مشترکی است که تنها به رویارویی با رهیافتهای ایرانی - دینی در این جمهوریها محدود می‌شود، از این رو استراتژی مهار دو گانه در یکی از مهمترین ابعادش چیزی جز این همسویی به اهداف مشترک دو کشور در مورد ایران نیست.

پیامدهای امنیتی گسترش روابط اسرائیل با جمهوریهای آسیای مرکزی و تأثیر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

ایران یک همسایه (شوروی سابق) را با دو همسایه - آذربایجان (جزو منطقه قفقاز است و در اینجا بدان نپرداختیم و خود بحث جالبی است که می‌توان در مقاله دیگری به آن پرداخت) و ترکمنستان - عوض کرده است و هرگونه ائتلاف و اتحاد آنها با ایالات متحده و اسرائیل (مثلاً در مورد کویت) می‌تواند برای

۱- فریدمن، رابرت. رژیم صهیونیستی و آسیای مرکزی، پیشین، ص ۱۶۲

ایران خطرناک باشد.

به این ترتیب مؤلفه استراتژیک از اهمیت بالایی برخوردار می‌گردد. چرا که این جمهوریها هر یک تاحدی توان نظامی شوروی را دارا هستند و در خود ذخیره کرده‌اند، به ویژه قزاقستان که ۱۰ درصد امکانات سلاح هسته‌ای و متعارف شوروی در آن نهفته است.

در این مورد چند سناریو را شاهد خواهیم بود:

۱- اولین سناریو این است که نشت احتمالی سلاحهای هسته‌ای و انتقال مواد یا دانش آن به جنوب (یعنی ایران و ...) موجب اظهار نظرهای فراوان و اغلب مبالغه آمیزی در بعد اسلامی آن شده است. نگرانی این است که با توجه به غیبت کنترل مرکزی، این سلاحها ربهوده یا فروخته شده و تجهیزات ناپدید یا دزدیده شود و دانش علمی به کشورهایی که مایلند پول آن را بپردازند و یا می‌خواهند با برنامه‌ای ضربتی به تسلیحات هسته‌ای دست یابند، اجاره داده شود... چرا که هنوز سرنوست و شرایط نهایی انتقال همه مواد و موشکهای هسته‌ای به روسیه را، هاله‌ای از ابهام پوشانده است. سرقت، گم شدن، یا فروش احتمالی سلاحها و مواد شیمیایی به کشورهای برهم زنده نظم و غیر دوست (از نظر امریکا و اسرائیل، این کشور ایران است) می‌تواند امنیت اسرائیل را که دشمن سرسخت ایران به شمار می‌رود، مورد خطر قرار دهد. با این حال مشکل دیگر قضیه این است که جمهوریهای مسلمانی که پیوندهای محکمی با ایران دارند مانند تاجیکستان، مخفیانه اورانیوم یا سایر مواد هسته‌ای را انتقال خواهند داد... نتیجه این امر تشکیل چند کشور هسته‌ای به جای یکی و تلاش چند کشور برای دستیابی به چنین سلاحهایی است.^(۱)

به این ترتیب، با توجه به این سناریو، اسرائیل در صدد آن است که با گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با این جمهوریها، در اولین مرحله از دستیابی ایران به سلاحهای هسته‌ای جلوگیری کند و در مرحله بعد، این کشور را متهم به داشتن سلاحهای هسته‌ای نموده، خواستار مجازات آن از طرف جامعه بین‌المللی گردد.

۲- سناریوی دوم این است که اسرائیل به عنوان دولت دست‌نشانده امریکا، سیاست کمربند بهداشتی را در مورد ایران اجرا می‌کند. به این ترتیب، تمام تلاش خود را برای محاصره کامل ایران، به مرحله اجرا درخواهد آورد؛ چرا که به زعم آنها ایران نتوانسته با اعراب همزیستی داشته باشد، و اینک متوجه آسیای مرکزی است. اگر بتوان جلوی توسعه و نفوذ ایران را در این جمهوریها سد نمود، آن وقت می‌توان ضربه کاری را بر پیکر ایران وارد کرد.

در واقع هدف اساسی اسرائیل در این سناریو، ابتدا کوشش برای قرنطینه کردن ایران و سپس وارد ساختن ضربه نهایی است.

۳- سناریوی سوم، وادار ساختن ایران به خروج از دنیای متمدن و انزوای کامل آن است. در واقع حضور ناوگان پنجم امریکا در منطقه و احیای آن در بحرین، وجود نیروهای چکش تعادل در ترکیه در غرب، وجود نیروهای طالبان در شرق و حضور اسرائیل در شمال این کشور، ایران را به کوبا، کره شمالی و ... دیگری تبدیل خواهد کرد. محبوس کردن ایران، فشار بر افکار عمومی این کشور و حمایت از مخالفان

۱- آینده جامعه مشترک المنافع، مرکز مطالعات استراتژیک خاور میانه با همکاری مرکز مطالعات اقتصادی و استراتژیک نیکوزیا، شماره

۲۰، ۳۳ مرداد ۱۳۷۲، صص ۱۲ و ۱۳

داخلی ایران، زمینه فروپاشی را به زعم آنان از داخل فراهم می‌آورد.

۴- به خطر انداختن وحدت و یکپارچگی ایران نیز یکی از این سناریوهاست. بازگشت برخی از قزاقها به آلماتا که بعد از سفر نظربایف به ایران صورت گرفت، این امید را در دل دشمنان ایران زنده می‌کند که می‌توان مسائل جدایی طلبی را در مورد ترکمنهای ایران مطرح ساخت. (در واقع این امر ادامه همان توطئه‌ای است که جمهوری آذربایجان و شخص ایلچی بیگ در مورد آذربایجان ایران مطرح می‌کرد).

۵- پنجمین سناریو این است که نفوذ اسرائیل در منطقه، شتاب اولیه خود را با خود آگاهی مسلمانان و باکوشش جمهوری اسلامی ایران از دست خواهد داد. این جمهوریهای مسلمان بر اعتبار و تعداد نمایندگان اسلام در جهان سیاست خواهد افزود و نفوذ جهانی اسلامی غیر عرب را در خاور میانه و سایر مناطق افزایش خواهد داد. حضور این جمهوریها در سازمان کنفرانس اسلامی (ICO) و عضویت آنها در سازمان همکاری اقتصادی اکو (ECO) تظاهر خارجی این امر است. به این ترتیب آنها با کمک ام‌القرای اسلام می‌توانند چون حزب الله در قبال اسرائیل عمل کنند.^(۱)

۶- سناریو دیگر این است که در جهان پس از سقوط شوزوی، مسائل امنیتی جای خود را به مسائل اقتصادی سپرده است.^(۲) به این ترتیب تنها هدف اسرائیل گسترش روابط اقتصادی، سیاسی اسرائیل در آسیای مرکزی پس از بلوکه شدن یا احتمال بلوکه شدن مجدد اسرائیل از طرف اعراب است. در این سناریو، این مسأله مطرح است که اسرائیل به دنبال محاصره و دخالت در امور ایران نیست، بلکه تنها به منافع ملی خود می‌اندیشد. به این سناریو باید به دیده شک و تردید نگریست.

۷- سناریوی آخر این که، اگر آینده‌ای ناآرام در انتظار این جمهوریها باشد، این کشورها ممکن است به مبارزان علیه نظم بین‌المللی موجود بپیوندند و حتی از کسانی که از این هم فراتر می‌روند، حمایت کنند و در کنار آنها موضع‌گیری نمایند. اینها تهدیدهای کوتاه مدت نیست، اما به هر حال ارزش بررسی دارد.^(۳)

نتیجه‌گیری

رژیم اسرائیل با استفاده از مؤلفه‌هایی چون اقلیت یهودیان، امکانات اقتصادی و صادراتی و مسائل استراتژیک این جمهوریها، که همواره روستاهای جمهوریهای «اسلاو» قلمداد می‌شدند، عملاً به تحکیم گامهای خود برای نفوذ به منطقه آسیای مرکزی پرداخته است. در واقع به جای آن که آسیای مرکزی «منطقه امن» برای ایران و جهان مسلمانان باشد، پرز وارد صحنه می‌شود و بر همان عاملی دست می‌گذارد که علت اصلی پیوند این کشورها با جهان اسلام است و در تاشکند می‌گوید: اسرائیل و ازبکستان در صحنه واحدی علیه بنیادگرایی قرار دارند. سناریوها نشان می‌دهد که قرنطینه کردن ایران در این مرحله هدف اساسی است.^(۴)

۱- همان منبع، ص ۱۶

۲- کمربیان، حسین. دگرگونیهای نظام بین‌الملل و پیامدهای آن به توسعه جنوب، فصلنامه رامبرو، پاییز ۱۳۷۳، ص ۱۷۹

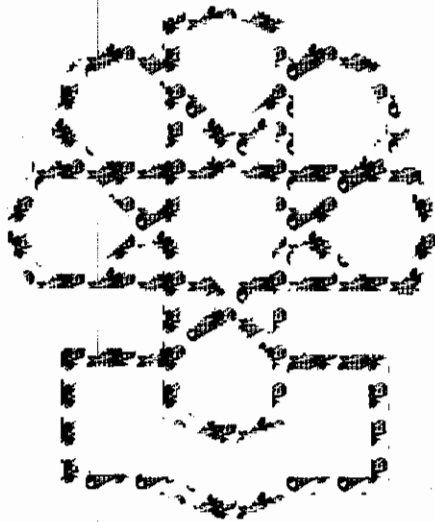
۳- آینده جامعه مشترک المنافع، پیشین، ص ۱۶

۴- در این زمینه نگاه کنید به:

ابراهیم، کمال. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از دیدگاه اسرائیل، مرکز مطالعات استراتژیک خاور میانه، ۱۳۷۲.



درباره طرح صدور مجوز استخدام فارغ التحصیلان
معادل کارشناسی دانشکده علوم قضایی
و خدمات اداری وزارت دادگستری



معاونت پژوهشی
تیرماه ۱۳۷۴

کار: گروه تحقیق

کد گزارش: ۱۹۰۰۷۷۰

صدور مجوز استخدام فارغ التحصیلان معادل
کارشناسی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری
وزارت دادگستری

عنوان لایحه

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
کتابخانه واحد اساد و اطباء
شماره: ۷۲۱۳
تاریخ: ۱۴/۱۰/۷۲

شماره ترتیب چاپ: ۱۵۴۶
شماره چاپ سابقه: —
شماره دفتر ثبت: ۴۷۵
تاریخ چاپ: ۷۴/۴/۶
کمیسیونهای ارجاعی: امور اداری و استخدامی -
امور قضایی و حقوقی

مشخصات طرح

کاملاً واضح است که افزایش کادر قضایی، دستگاه دادگستری، نقش مثبتی در بهبود جریان رسیدگی به دعوی و شکایتهای مردم خواهد داشت. اما اقدام در این جهت باید با دقت ویژه‌ای صورت گیرد، زیرا تصدی امر قضا، اهمیت فوق‌العاده‌ای در برقراری نظم و عدالت اجتماعی دارد که توجیه‌کننده لزوم تخصص علمی و عملی قضات و سایر شاغلین دستگاه قضا می‌باشد. از همین رو همواره تلاشی مستمر برای ارتقاء سطح دانسته‌های نامبردگان دیده می‌شود. در همین راستا در سال ۱۳۷۰ امکان ادامه تحصیل حدود هشتاد نفر از کارکنان اداری قوه قضاییه در دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری وزارت دادگستری فراهم گردید. نامبردگان، بدون کنکور سراسری و از طریق آزمون داخلی، مشغول تحصیل شده و در پایان دوره مدرک (معادل کارشناسی) دریافت می‌نمودند.

طرح حاضر، پیشنهاد تغییر پایه اداری اشخاص مذکور به پایه قضایی و تصدی شغل دادرسی نامبردگان را به دلیل کمبود قاضی و نیاز به قضات در نظام جدید تشکیلات قضایی و همچنین، احراز شرایط تصدی امر قضاوت از جانب نامبردگان ذکر نموده است.

در این باب چند نکته قابل توجه خواهد بود:

نخست اینکه ایجاد شرایط و امکان ادامه تحصیل کارکنان اداری دادگستری، تأمین قاضی از میان آنها نبوده و بنا بر ظاهر صرفاً بالا بردن سطح معلومات ایشان برای درک بیشتر و عملکرد بهتر کادر اداری قوه قضاییه بوده است و چنانچه نامبردگان به شغل قضاوت گمارده شوند در حقیقت برخلاف هدف اصلی ادامه تحصیل اشخاص مزبور عمل شده است.

در این میان توجه نمایندگان محترم را به بند ۵ «قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری» جلب می‌نماید که شرط تصدی امر قضا را «اجتهاد» قرار داده است، و استثناء وارده بر این اصل را، تصدی شغل قضاوت توسط کارشناسان (لیسانسیه‌های) قضایی، الهیات (رشته منقول)، یا دارندگان لیسانس دانشکده علوم قضایی و اداری وابسته به دادگستری ... دانسته است.

قانون مزبور صریح است و اشاره‌ای به (مدرک معادل) ندارد و چون (مدرک معادل کارشناسی)، کارشناس (لیسانس) تلقی نمی‌شود، قاعدتاً نباید این موارد را مشمول قانون مزبور بدانیم.

از طرف دیگر پذیرفتن طرح پیشنهاد شده به عنوان قانون جدید به معنی قائل شدن استثنایی دیگر بر استثنای قبلی خواهد بود (تصدی شغل قضاوت توسط یک لیسانسیه، استثنایی بر اصل مجتهد بودن قاضی است، و تصدی مقام قضا دارنده «مدرک معادل لیسانس» استثنای استثنای اخیر خواهد بود.)

بنا بر آنچه گذشت، دادن اجازه قضاوت به دارندگان (مدرک معادل کارشناسی) مسأله‌ای قابل تعمق است و با وجود تعداد کثیر تحصیلکردگان و کارشناسان (لیسانسیه‌های) حقوق که به سادگی امکان اشتغالشان وجود دارد خالی از توجیه منطقی به نظر می‌رسد.

نکته دیگری که در خور توجه می‌باشد، مطرح نمودن «فارغ‌التحصیلان پلیس قضایی» در طرح

حاضر و در ردیف کارکنان اداری قوه قضائیه که از دانشکده علوم قضایی فارغ التحصیل شده‌اند صحیح نمی‌باشد، زیرا:

اولاً عنوان طرح «صدور مجوز استخدام فارغ التحصیلان معادل کارشناسی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری وزارت دادگستری» است و موضوعاً منصرف از فارغ التحصیلان پلیس قضایی است. ثانیاً توجیهات ارائه طرح، صرفاً برای نامبردگان فوق‌الذکر (کارکنان اداری قوه قضائیه...) به عمل آمده است و دلیل توجیهی برای پلیس قضایی ندارد.

ثالثاً با وجود شمار عظیم فارغ التحصیلان دانشکده‌های حقوق دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی، این سؤال پیش می‌آید که آیا واقعاً لازم است فارغ التحصیلان علوم قضایی شاغل در نیروهای اجرایی و انتظامی را از آنجا خارج و مراجع مذکور را بدون توجه به نیازشان به تحصیلکردگان اشاره شده از خدمات آنها محروم سازیم؟ و آیا بین فارغ التحصیلان سایر دانشگاهها اشخاص متدین و متعهد به قدر نیاز یافت نمی‌شود؟

از این رو ضرورتی برای تصویب طرح حاضر ملاحظه نمی‌گردد.

در ضمن در متن طرح پیشنهادی نیز چند ایراد به چشم می‌خورد:

۱- صدور ماده با ذیل آن هماهنگی لازم را ندارد. ماده مزبور چنین است: «به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود به آن دسته از کارکنان اداری قوه قضائیه ... به مشاغل قضایی منصوب نماید».

۲- ورود به دانشکده قاعدتاً به منظور تحصیل و اخذ مدرک می‌باشد، بنابراین تصریح جهت ورود به «دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری وزارت دادگستری جهت اخذ مدرک معادل کارشناسی غیر ضروری و زاید می‌نماید».

۳- در سطر ششم طرح، عبارت «به عنوان قاضی» زاید بوده و با توجه به جمله آخر که اعلام می‌نماید: «... به مشاغل قضایی منصوب نماید» تکرار آن غیر ضرور و حذف آن مطلوب است.